



MLJ

مجله حقوق پزشکی

ویژه نامه نوآوری حقوقی، ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



مقاله پژوهشی

دولت رفاه و آموزش و پرورش رایگان با توجه به اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

مهرداد بدیعی^۱، غلامحسین مسعود^{۲*}، فرامرز عطریان^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: در قوانین بیشتر کشورهای جهان آموزش بدون هزینه و عمومی است و از حقوق اساسی شهروندان به حساب می‌آید. براساس نظرات حقوق دانان حق آموزش و پرورش رایگان و اجباری برای کودکان در قامت یک اصل کلی قابل پذیرش می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها: علی‌رغم اینکه در قانون اساسی بر رایگان بودن و آسانی در آموزش محصلین در مدارس تأکید شده، لیکن با وجود قوانین پر از قید و بند، عدم بررسی‌های لازم، دوگانگی در گفتار و کردار مقامات مسئول مخارج تحصیل را به عهده قشرهای متوسط و مستضعف می‌گذارد.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: با عنایت به موقعیت حاکم بر مدارس و عدم بازرسی مکفی در رابطه با گرفتن پول به بهانه‌های متفاوت از اولیا دانش‌آموزان در مدارس دولتی همواره از اجرای اصل سی‌ام قانون اساسی دور و دورتر می‌شویم و تساوی و برابر آموزشی که از اصول قانون اساسی و دولت رفاه می‌باشد دچار خواب عمیق و فراموشی می‌شود.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۵/۱۴

واژگان کلیدی:

حق بر آموزش
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
حقوق بنیادین
حقوق بشر

* نویسنده مسؤول:

غلامحسین مسعود

آدرس پستی: ایران، نجف آباد،

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد،

گروه حقوق.

کد پستی: ۸۱۷۵۶-۵۴۷۳۱

تلفن: ۳۱-۴۲۲۹۲۷۰۲

پست الکترونیک:

dad2029@yahoo.com

۱. مقدمه

دولت‌ها اهتمام ورزیده‌اند که تمامی طبقات و آحاد مردم در دسترسی به امکانات آموزشی، استفاده‌ی برابری داشته و به گونه‌ای عادلانه از آموزش و یادگیری بهره بگیرند. تجربیات همواره گواه این است که در مدت چند دهه‌ی گذشته بی‌عدالتی آموزشی نزول فاحشی داشته است. گسترش آموزش و عمومی شدن آن را می‌شود از علل اساسی این حرکت قلمداد نمود.

به بیان دیگر آموزش‌های همگانی و به‌خصوص دوره‌ی ابتدایی اعتدال بیشتری دارد. یکی از علت‌های الزامی بودن آموزش‌های ابتدایی این است که این دوره و دوره‌ی متوسطه کمترین آموزشی است که هر فرد برای استمرار زندگی فردی و اجتماعی خود به آن احتیاج دارد (۱)؛ و در حقیقت از الزامات زندگی مفید و نسبتاً سالم برای کلیه افراد جامعه‌ی کنونی می‌باشد (۲).

فاکتور اساسی این است که در قوانین بیشتر کشورهای جهان آموزش بدون هزینه و عمومی است و از حقوق اساسی شهروندان به حساب می‌آید (۳). براساس نظرات حقوق دانان حق آموزش و پرورش رایگان و اجباری برای کودکان در قامت یک اصل کلی قابل پذیرش می‌باشد (۴).

انبیاء برای راهنمایی انسان‌ها و نجات بشریت از نادانی و تاریکی بی‌خردی انتخاب شدند. قرآن کریم در آیات بسیاری (آیه ۱۲۴ سوره بقره، آیه ۱۶۰ سوره آل عمران، آیه ۲ سوره جمعه) یادگیری و پرورش اصل بعثت پیامبر اسلام را مقرر داشته است تا توسط این اصل زیرساخت جوامع پویا، متعقل و توانا را مهیا سازد (۲).

از زمره حقوق آحاد مردم آموزش رایگان و عمومی است و همچنین از حقوق اساسی هر فرد به شمار می‌آید. منشور جهانی حقوق بشر هم این حق را مورد تأکید قرار داده است. در ایران لایحه آموزش و پرورش عمومی اجباری و مجانی در ششم مرداد ماه ۱۳۲۲ به تصویب مجلس شورای ملی رسید و بعد از امضای شاه در هشتم مرداد سال مذکور و با چاپ در روزنامه رسمی کشور به شکل قانون لازم‌الاجرا شد.

این قانون در سال ۱۳۵۳ عمومیت پیدا کرد و از آن تاریخ تمامی مدارس غیردولتی از جانب دولت خریداری و کلیه کارکنان آنها با در نظر گرفتن سنوات خدمتی خویش در خدمت آموزش و پرورش درآمدند و تعیین شد از این پس هیچ مدرسه‌ای خصوصی نباشد و یا هر مدرسه‌ای که شهریه دریافت می‌کند در ایران برچیده شود.

با تبعیت از این قانون و به اجرا درآوردن آن، دانشگاه‌ها هم در ایران از تاریخ سال تحصیلی (۱۳۵۳-۱۳۵۴) رایگان شده‌اند که نه تنها تحصیلات بدون پرداخت هزینه و به طور مساوی مقرر شد، بلکه در مقاطع ابتدایی و راهنمایی تغذیه به صورت رایگان توزیع گردید.

پس از انقلاب آموزش رایگان به همان منوال مدنظر قانون‌گذاران بود. به گونه‌ای که در اصل سوم قانون اساسی به آن اشاره شده و برابر اصل سی‌ام قانون اساسی تحصیل تا دوره متوسطه برای عموم و همینطور تحصیلات دانشگاهی تا میزان خودکفایی، در کشور رایگان می‌باشد. اما عملاً به مدت چند سال است که مدارس دولتی مثل مدارس خصوصی (غیرانتفاعی یا مدارس پولی) برخلاف اصل سی‌ام، در ایران از اواخر دهه ۱۳۶۰ هجری شمسی دوباره پس از قریب به دو دهه توقف شروع شده است در هنگام ثبت‌نام با نام کمک به مدرسه و جوهری را از خانواده‌ها می‌گیرند که این عمل، فشارهای مادی و مالی بسیاری را بر خانواده‌ها و درآمد آنها وارد می‌کند و هزینه تحصیل را پی‌درپی در جامعه افزایش می‌دهد.

از جمله وظایف دولت، رفاه مالی و مادی و تأمین شرایط و سرویس‌های آموزشی به شکل رایگان و در بعضی مواقع با اقل هزینه احقاق حقوق مردمی و قانونی است؛ غالباً دولت خدمات عمومی مانند تحصیلات رایگان در مقطع ابتدایی یا متوسطه را برای مردم مهیا می‌سازد.

پرسشی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که مفهوم دولت رفاه و نقش‌آفرینی آن در راستای اجرای تعهد به فراهم آوردن آموزش و پرورش رایگان آیا در چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مقررات مربوط به آن قابل طرح و اجرا می‌باشد؟ به تعبیری تعهد دولت برای فراهم آوردن

مزبور در ارتباط با محتوای آموزش و پرورش و سیاست‌گذاری‌های کلی می‌باشند و به صورت بسیار محدود به حق آموزش و پرورش در چهارچوب قانون اساسی پرداخته‌اند که در ادامه به آنها اشاره خواهیم داشت.

مقاله الهام بامری و همکاران تحت عنوان «آموزش و پرورش رایگان از منظر قانون اساسی» که در کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی در سال ۱۳۹۶ منتشر شده است. از نظر نویسندگان، هدف از نگارش این مقاله، تحلیل محتوای آموزش و پرورش رایگان از منظر قانون اساسی است. از این رو سعی شده‌است مفاهیم، اصول و قواعد مرتبط با این موضوع مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد. در ابتدا مفاهیم آموزش و پرورش رایگان و قانون اساسی تعریف شده است تا مبنایی باشد برای تحلیل و بررسی بیشتر موضوع. آموزش و پرورش به عنوان یک حق مورد بررسی قرار گرفت و در مبحث بعد ویژگی‌های قانون اساسی مورد تحلیل قرار گرفته و به اصل سی‌ام قانون اساسی پرداخته شده است و در پایان جمع‌بندی شد که قانون اساسی در واقع تضمین‌کننده‌ی عدالت اجتماعی و تأمین‌کننده سایر مصادیق حقوق بشر و حقوق شهروندی نیز خواهد بود در این راستا آنچه بیش از پیش اهمیت می‌یابد، عملکرد صحیح قانونی دستگاه‌های مرتبط کشور، در راستای دستیابی به این مهم خواهد بود.

مقاله «نقد و بررسی سیاست‌های آموزش و پرورش و آموزش عالی» نوشته‌ی احمد اکبری، محمد قراری و علیرضا مشکانی که در سال ۱۳۹۵ به چاپ رسیده است. از نظر نویسندگان، یکی از ارکان اساسی توسعه یک کشور، بخش آموزش آن کشور است. این بخش از آن جهت دارای اهمیت فوق‌العاده است که هم ابزاری مهم برای توسعه بوده و هم یکی از اهداف توسعه محسوب می‌شود، در کشورهای مختلف، استقرار و فعالیت نظام‌های آموزشی به یک جریان عادی و مستند تبدیل شده است و هر ساله بخش عظیمی از منابع عادی در قالب بودجه‌های دولتی و هزینه‌های شخصی، در این راه صرف می‌شود. به لحاظ همین اهمیت آموزش که روزگاری یک مقوله مهجور در سیاست‌گذاری داخلی شناخته می‌شد، به

آموزش و پرورش رایگان در راستای دکترین دولت رفاه تا چگونه در چهارچوب قانون اساسی ج.ا.ا قابل طرح و اجرا می‌باشد.

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که، با نظر به اینکه در قانون اساسی بر رایگان بودن و آسانی در آموزش محصلین در مدارس تأکید شده لیکن با وجود قوانین پر از قید و بند، عدم بررسی‌های لازم، دوگانگی در گفتار و کردار مقامات مسئول مخارج تحصیل را به عهده قشرهای متوسط و مستضعف می‌گذارد، به طوری که در سال‌های اخیر برخی مدارس دولتی عنوانی به نام مدارس هیئت امنایی کسب کرده‌اند که از کاروان اخذ شهریه جا نمانند و این عمل را فاکتوری در رابطه با بالا بردن کیفیت و بهبود یافتن سطح آموزش می‌دانند.

با عنایت به موقعیت حاکم بر مدارس و عدم بازرسی مکفی در رابطه با گرفتن پول به بهانه‌های متفاوت از اولیا دانش‌آموزان در مدارس دولتی همواره از اجرای اصل سی‌ام قانون اساسی دور و دورتر می‌شویم و تساوی و برابر آموزشی که از اصول قانون اساسی و دولت رفاه می‌باشد دچار خواب عمیق و فراموشی می‌شود.

۵. بحث

۵-۱. پیشینه تحقیق

در ارتباط با متغیر اصلی پژوهش حاضر، یعنی آموزش و پرورش پژوهش‌هایی صورت گرفته است که عمده پژوهش‌های

همچنین میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با هدف مبارزه با فقر و چالش‌های اجتماعی مختلف مورد تحلیل و بررسی قرار دادند. در همین راستا می‌توانیم به کتاب کریستیان اسکالین و همکاران تحت عنوان «مبارزه علیه فقر و حق بر توسعه» که در سال ۲۰۲۰ میلادی توسط انتشارات اسپینگر به چاپ رسیده است، اشاره کنیم. این کتاب که در واقع مجموعه‌ای از مقالات می‌باشد که در هر مقاله وضعیت برخی کشورها را در این زمینه مورد بحث بررسی قرار داده است (۷).

۲-۵. نوآوری تحقیق با عنایت به تحقیقات مشابه

در غالب پژوهش‌های صورت گرفته، تأکید پژوهشگران بر محتوای آموزش و پرورش و جایگاه حق بر آموزش و پرورش در اسنادی مانند قانون اساسی یا اسناد حقوق بشر بین‌المللی می‌باشد. در پژوهش حاضر هدف ما بررسی و ارزیابی آموزش و پرورش در چهارچوب قانون اساسی در پرتو مفهوم «دولت رفاه» و وظایف آن می‌باشد. در پژوهش‌های موجود این مسأله مورد توجه قرار نگرفته است.

۳-۵. اهمیت و ضرورت پژوهش

قانون اساسی در سلسله مراتب هنجاری نظام حقوق داخلی در رأس هرم قرار دارد. سند مزبور چهارچوب اصلی وظایف حاکمیت را مشخص می‌کند. در سال‌های اخیر در ادبیات نویسندگان حقوقی و سیاسی، مفاهیم و دکترین‌هایی همچون حکومت قانون، حکمرانی مطلوب و... متولد شده است. مفاهیم مزبور نیز در اسناد و رویه‌های بین‌المللی مورد توجه دولت‌ها قرار گرفته است. از بطن رویه‌ای مزبور، مفهوم «دولت رفاه» ایجاد شده است که یک قرائت جدید از «حاکمیت» ارائه می‌کند. از منظر دولت رفاه، حاکمیت به عنوان مسئولیت محسوب می‌شود. به تعبیری، حاکمیت صرفاً به عنوان یک اقتدار عالی محسوب نمی‌شود که بالادست سایر قدرت‌ها قرار دارد. بلکه این قدرت، وظیفه ایجاد رفاه برای همه افراد جامعه را در حد متعارف برعهده دارد. برای ایجاد رفاه در جامعه، مسئله آموزش و پرورش یک چالش حیاتی محسوب می‌شود؛

تدریج در صحنه ملی و بین‌المللی به بحث اصلی سیاست‌گذاری تبدیل شده است. با پذیرش رو به افزایش آموزش و پرورش و آموزش عالی به عنوان عامل راهبردی در بهبود توسعه ملی، موضوع بررسی و تحلیل سیاست‌های آموزشی کشور از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد، امری که این مقاله تلاش دارد در حوزه سیاست‌گذاری عمومی به نقد و بررسی سیاست‌های آن پرداخته و راهکارهایی را برای بهبود کیفیت و کارایی در دو حوزه آموزش و پرورش و آموزش عالی ارائه نماید (۵).

مقاله فرامرز محمدی پویا تحت عنوان «بررسی عملکرد انقلاب اسلامی در حوزه نظام آموزش و پرورش رسمی و عمومی» که در سال ۱۳۹۷ به چاپ رسیده است. از نظر نویسنده، در توصیف انقلاب اسلامی همین کفایت می‌کند که امام خمینی از انقلاب اسلامی با عنوان‌هایی مانند «معجزه قرن» و «انفجار نور» یاد کرده‌اند. در شرایط فعلی که همه‌های مختلف غیرمنصفانه‌ای به کشور وارد می‌شود، اهمیت تبیین دستاوردهای انقلاب اسلامی به عنوان یک وظیفه، معین می‌گردد. از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی عملکرد انقلاب اسلامی در حوزه نظام آموزش و پرورش رسمی و عمومی و با روش تحلیل اسنادی و تحلیل کیفی صورت گرفته است. یافته‌ها حاکی از آن است که نظام آموزش و پرورش عمومی در چهار دهه انقلاب اسلامی در بسیاری از شاخص‌ها، توسعه‌ای چشمگیر و در مواردی بالاتر از میانگین جهانی رشد داشته است، از جمله: برابری جنسیتی در دسترسی به آموزش، نرخ باسوادی زنان، نرخ باسوادی روستاییان، تأمین امکانات آموزشی بالاخص در مناطق محروم، پوشش تحصیلی دانش‌آموزان، نسبت معلم به دانش‌آموز، اهمیت دادن به کتاب‌های درسی اقلیت‌های مذهبی، و... در نهایت برای تحقق یافتن اهداف متعالی انقلاب و آرمان‌های امام خمینی، آسیب‌های مترتب بر عملکرد نظام آموزش و پرورش نیز احصاء گردید (۶).

در میان پژوهش‌های خارجی نیز، برخی پژوهشگران آموزش و پرورش رایگان را در سطح ابتدایی و راهنمایی را با تأکید بر اسناد حقوق بشری مانند میثاق حقوق مدنی و سیاسی و

رفاهی جهت پایداری بقا در وضعیت اقتصاد آزاد (سرمایه‌داری)؛ دوم، داشتن دولت دموکراتیک (۸). این دو اصل را می‌شود از اصول بنیادی دولت رفاه دانست. با توجه به این اصل دولت رفاه در هر صورت فقط برای آماده‌سازی برخی خدمات رفاهی از جانب ارگان‌های دولتی بوجود نمی‌آید. لیکن ایجاد آن در گرو بودن زیرساخت‌های اقتصادی و سیاسی مشخصی می‌باشد که اصولاً در وضعیت کشورهای صنعتی با نظام اقتصادی آزاد یافت می‌شود. بنابراین آلفرد زیمرن محقق آکسفورد کلمه دولت رفاه را در وصف دولت‌های دموکراتیک در برابر دولت‌های دیکتاتور و فاشیست استفاده می‌کند (۹).

وجود و رشد دولت رفاه در دنیا اصولاً به دهه ۱۹۳۰ و انزوای اقتصادی جهان در این دهه ارتباط دارد. اما بعضی محققان برای به کارگیری این اصطلاح و فرمول آن قدمت بیشتری رقم زده‌اند. به‌طور مثال مارش اعتقاد دارد که واژه دولت رفاه اولین بار هنگامی استعمال شد که بودجه ملت در بریتانیا در سال ۱۹۰۹ بودجه رفاه نامیده شد و گروهی هم اعتقاد دارند که معنی دولت رفاه اولین بار در دهه ۱۸۹۰ در آلمان به واسطه بیسمارک صدراعظم همان عصر به نوعی از بیمه اجتماعی گرفته شد (۱۰).

بنابراین شکی نیست که دولت رفاه با نشر گزارش بیوریچ در بریتانیا در سال ۱۹۴۲ بسیار رواج پیدا کرد. نکته قابل توجه این است که خود بیوریچ و عده‌ی کثیری از دیگران در بریتانیا مخالف به کار بردن این اصطلاح بودند، آنها ایده «دولت خدمات اجتماعی را به آن ترجیح می‌دادند (۱۱).

با این وجود می‌توان بیان داشت که دولت رفاه، دربردارنده و به شکلی واضح مسئول بهزیستی و رفاه و آسایش تمام اعضا از جانب یک جامعه قانونی و رسمی یعنی دولت است. و در مفهومی خاص مطابق با شرایط منحصر به فردی است که در آن دولت‌های حامی اقتصاد آزاد می‌بایست اساسی‌ترین خدمات اجتماعی و همچنین و پایه‌های مشخصی از خدمات رفاهی را برای اقشار نیازمند جهت برقراری عدالت و مساوات اجتماعی و سیاسی عهده‌دار شود (۱۲).

زیرا در جامعه‌ای که آگاهی عمومی وجود نداشته باشد، در برخی سطوح و مصادیق رفاه به واسطه فقدان آگاهی عمومی، با مقاومت از سوی جامعه مواجه خواهیم شد. به همین دلیل است که در اسناد مبنایی حقوق بشر بین‌المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر تأکید فراوانی بر مفهوم آموزش و پرورش و همچنین وظیفه دولت‌ها برای فراهم کردن آموزش ابتدایی به صورت رایگان برای همه شده است. در نتیجه به نظر می‌رسد که در راستای اجرای تعهدات بین‌المللی و همگامی با رویه بین‌المللی و همچنین کمک به استقرار دولت رفاه و انجام وظایف آن، لازم است آموزش و پرورش رایگان در پرتو قانون اساسی به عنوان اصلی‌ترین سند در نظام حقوقی ایران مورد بحث و بررسی دقیق قرار گیرد.

۴-۵. محدودیت‌های پژوهش

در پژوهش حاضر دو محدودیت مهم وجود دارد: اول اینکه آموزش و پرورش رایگان در چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت و دوم اینکه، دکتین دولت رفاه و عناصر آن، به ویژه «حاکمیت به مثابه مسئولیت»، چهارچوب اصلی بحث را مشخص می‌کند. به تعبیری، در پژوهش حاضر، قرائت‌ها و تفاسیر مختلف از نهاد حاکمیت و دولت مدنظر قرار ندارد و از حیث هنجاری، اسناد و مقررات فراتر از قانون اساسی و مقرراتی که به صورت مستقیم با آن در ارتباط هستند در دایره موضوعات پژوهش حاضر قرار نمی‌گیرد.

۵-۵. دولت رفاه

دولت رفاه (welfare state) به مفهوم داشتن راهکارهای حساب‌شده و خردمندانه‌ای در جهت مهیا کردن کمترین استاندارد زندگی برای همگان و بالا بردن فرصت‌های برابر زندگی است و در آن هیچ شکی در جهت لزوم تمرکز و عنایت تمامی ارگان‌های دولتی در آماده کردن خدمات عمومی نخواهد بود. در الفبای وابسته به این موضوع همواره بر دو اصل بنیادی توجه خاص شده است: اول، مهیا ساختن خدمات

۵-۶. وظایف دولت رفاه

دولت رفاه اصولاً برنامه‌ریزی کمک‌های اجتماعی و همچنین به اجرا در آوردن راهکارهای اجتماعی را بر ذمه دارد. مقصود از واژه کمک‌های اجتماعی، امدادهایی است که در کشورهای پیشرفته با عنایت به وقوع کمبودهای اجتماعی اولویت یافته است، اما به سبب هزینه سنگین و یا نداشتن سواد، توجه بخش خصوصی را جلب نکرده و اغلب دولت را ملزم به مداخله در برطرف نمودن آن کمبود کرده است (۱۳).

هدف از تأمین اجتماعی راهکارهای رفاهی است که کلاً به مقصود نزول خطرات حیات و جانبداری مردم به وسیله سیاست‌های کلان دولتی به کمک بخش خصوصی با دخالت دولت و یا به طور مستقیم به واسطه دولت انجام می‌گیرد. فعالیت‌های دولت رفاه را دارای دو کارکرد می‌دانند: ۱- کارکردهای ویژه حمایتی؛ ۲- کارکردهای ویژه رفاهی (۱۴).

هدف از کارکردهای حمایتی قسمی از اعمال دولتی است که محافظت نظام و برقراری آرامش و امنیت در برابر هرج و مرج‌های داخلی و تجاوزات بیگانه در قالب کوشش‌های خاص در روند سلامت و پایداری خانواده به لحاظ ریشه و تم اصلی جامعه و... خواهد بود که در پایان باعث استمداد نظام و پایداری جامعه می‌شود. کارکردهای رفاهی هم به گروهی از کارکردهای اختصاصی داده می‌شود که دولت برای مهیاسازی خدمات بهداشتی ملت و فعالیت‌های برنامه‌ریزی و پیش‌بینی شده و همچنین مسائل درمانی، فعالیت‌هایی در زمینه پشتیبانی از کارگران و کمک به آنها در برابر سوءاستفاده‌های صاحب‌کاران، و برقراری آموزش و پرورش عمومی و رایگان و از اهم امور عنایت خاص به اینکه اگر وضع معیشتی و مالی گروهی از مردم ارتقا نیابد، وجود دولت رفاه توهم و رویایی بیش نخواهد بود (۱۵).

در برخی از کشورها، دولت حضور و اثر پررنگی در این زمینه دارد. در صورتی که بعضی دیگر از کشورها عهده‌دار مسئولیت کمتری هستند و اکثراً نقش نظارتی را دارند. در این دسته از کشورها بیشترین نقش حمایتی را افراد و سازمان‌های خیریه به عهده می‌گیرند (۱۶).

چشم‌انداز سیاست‌گذاری‌های دولت رفاه، مهیا نمودن زمینه پیشرفت و آسایش تک‌تک مردم است. در دولت رفاه برای تمام طبقات محروم و صدمه‌پذیر اجتماع خدمات حمایتی در نظر گرفته شده تا بدون خدشه‌دار کردن عزت‌نفس هر فرد احتیاجات اصولی حیات او تا مرزی که یک حیات استاندارد منتفی شود. اما باید یادآور شد که این سیاست‌گذاری محدود است و حیطة دید وسیعی ندارد. چرا که مقصود اصلی دولت رفاه می‌بایست مهیا کردن بستر و زمینه‌های اقتصادی برای کلیه مردم جامعه باشد (۱۷).

به طور قطع اشخاص متمول اجتماع درصدد بهره‌مندی از این‌گونه کمک‌های مالی اختصاصی نمی‌باشند. اما دولت باید عهده‌دار ضمانت و حمایت رفاه عمومی باشد. در روند کاری دولت رفاه اصطحکاک و موانعی هم وجود دارد. مانند محدود بودن تولید ملی، ازدیاد جمعیت، اخذ نادرست مالیات از جانب مردم. زیرا لزوم وجود دولت رفاه، دانستن رفاه حقیقی توسط استمدادهای اقتصادی درخور و در نظر گرفته شده را می‌طلبد (۱۸).

به هرحال دولت رفاه برای سلامت بهداشت همگانی، ارتقاء آموزش و پرورش، برقراری امنیت اقتصادی و جانی اجتماع، سامان بخشیدن به کارکردهای اقتصادی و برداشتن تنگناهای اجتماعی و فرهنگی تلاش می‌کند. کار اصلی دولت رفاه ایجاد آزادی حقیقی برای آحاد مردم در امتداد قانون از پیش تعریف شده است. دولت رفاه غالباً یک دولت حداکثری می‌باشد. بنابراین از ابتدای روی کار آمدن، تمامی فعالیت‌های مربوط به کمک‌های اجتماعی، خدمات اجتماعی و رفاهی، بیمه‌های اجتماعی و تأمین اجتماعی را عهده‌دار می‌شود (۱۹).

۵-۷. آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران

طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آزادی آموزش پرورش تحت نظر پیش‌فرضی که مقبول است مورد عنایت بوده، اما اشاره روشنی به آن نشده است. در حقیقت مقصود مدونین قانون اساسی این است که بی‌عدالتی از کشور برچیده و در راستای آن میزان اطلاعات عمومی مردم نیز به صورت چشم‌گیر ارتقاء یابد (۲۰).

در تعالیم پروردگار تأکید شده که فلسفه وحی و نبوت و چگونگی حاکمیت در مکتب پیامبران و پروراندن انسان‌ها، از بین بردن جهالت و زنده کردن و جامه بخشیدن به دانش است. حضرت علی (ع) این واقعیت را به شکلی پسندیده و جمیل در سخنرانی‌هایش تفسیر نموده و لزوم توجه به فرهنگ و دانش و تربیت مردمان و مهم بودن آموزش و پرورش بر ارتزاق انسان اشاره کرده و اذعان بر پیشرفت و فرهنگ در مجاورت مسائل دیگر را در روش و سیره خویش به وضوح بیان نموده است (۲۳).

اما می‌بایست توجه نمود که از بین این دو، پرورش بر آموزش تقدم دارد. چراکه جوهر اصلی تربیت انسان‌ها برای بهره‌مندی از این فرآیند پی‌درپی یعنی لطف پروردگار، بدون آموزش و پرورش درست و کارآمد میسر نخواهد بود. راهنمایی و تشویق به انجام کارهای نیک و ممانعت از شر و اعمال فاسد از اصول لازم و مهم اسلام است که ضرورت تأدیب و تربیت درست را همراه یادگیری درست یادآور می‌شود (۲۴).

با این حال در این فرآیند و مسیر رسیدن به هدف مسائل دیگر را نیز باید در نظر داشت. چنانکه حضرت علی (ع) در خطبه ۱۸۶ نهج‌البلاغه، احیای سنت‌های صحیح و از بین بردن سنت‌ها و عادات اشتباه و باز نمودن زنجیرها و سلسله‌هایی که جامعه را توسط آداب و رسوم و محدودیت‌ها و خوی‌ها و تقلیدهای نادرست و بی‌بنیان را از مقاصد حکومت خود قلمداد کرده است: بدان که بهترین بندگان خدا نزد او پیشوایی است هدایت شده. رهبر که سنت‌های معلوم را بر پا دارد و بدعت‌های مجهول را بمیراند یعنی پیشوایی که تعصبات آزاردهنده را در مورد اصول غیرعقلانه حذف کند و سلسله‌های درهم کوبنده‌ای که روح و جان انسان‌ها را تحت فشار قرار می‌دهد را بگسلاند (۲۵).

آموزش و پرورش در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درخور و مورد توجه واقع شده است. در این راستا طبق بند دوم اصل سوم مقرر می‌دارد دولت موظف است همه‌ی امکانات خود را در مورد «آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی» به کار برد. و نیز طبق اصل سی‌ام قانون اساسی: دولت موظف است

به طور واضح در این سند عنایت ویژه‌ای به اساس آموزش و پرورش شده و در برقراری و عمومی و رایگان بودن آن نه تنها در مقطع ابتدایی، بلکه تا مقطع متوسطه توجه شده است. بنابراین یکی از وظایف اصلی دولت طبق بند سه اصل سوم قانون اساسی این است که آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان را برای همه در تمام سطوح فراهم سازد و آموزش عالی را تسهیل و تعمیم نماید (۲۱).

به‌کار بردن عبارت «برای همه» در بند سه اصل سوم و «برای همه ملت» در اصل سی‌ام، تفکر همگان را به این سمت سوق می‌دهد قانون اساسی به حق آموزش و پرورش برای کلیه شهروندان کشور اعتقاد دارد و تبعیض در بین شهروندان کشور را قبول ندارد. با اینکه اشخاص نیز هرکدام برابر استعدادها و لیاقات‌های خود به شکل‌های مختلفی از این موقعیت بهره می‌گیرند (۲۱).

۵-۸. آموزش و پرورش رایگان

قانون اساسی هر کشور با نام مادر قوانین، اساس سازماندهی سایر قوانین کشور است. در مجاورت آن وزارت‌خانه‌ای چون آموزش و پرورش عهده‌دار آموزش و تربیت دانش‌آموزان است. روند اجتماعی کردن دانش‌آموزان نیز از اهم وظایف این وزارت‌خانه محسوب می‌شود و برای نیل به این هدف در کتاب‌های آموزشی، دانش‌آموزان را با قانون و چگونگی زندگی در جامعه مطلع می‌سازند. درحالی که امروزه مشاهده می‌کنیم که در عمل یکی از اهم اصول قانون اساسی یعنی اصل سی‌ام، مورد توجه قرار نگرفته دستخوش نسیان و فراموشی شده است. توجه به این مسئله از آنجا ضروری است که در صورت محو نمودن و عدم توجه به آن به آتیه دانش‌آموزان و قدرمطلق پیروی آنها تردید کرد (۲۲).

از دیدگاه حضرت علی (ع) ذیل خطبه ۱۱۵ نهج‌البلاغه، گسترش فرهنگ و علم و دانش از جایگاه ویژه‌ای بهره‌مند است: در فراگرفتن دانش سخت بکوشید پیش از آنکه درخت آن بشکند و پیش از آنکه به خود مشغول گردید و فرصت فراگرفتن علم از منبع آن و اصل آن از دست برود.

ز) ایجاد روحیه پاسداری از قداست و استواری بنیان و روابط خانواده براساس تعالیم عالیه اسلام؛

س) ایجاد روحیه احترام به قانون و التزام به اجرای آن و حمایت از برخورداری عموم مردم از حقوق قانونی خویش؛

ش) ایجاد تقویت روحیه اخوت اسلامی و تعاون عمومی اخوت اسلامی و تعاون عمومی و انفاق و ایثار؛

ف) ایجاد روحیه صرفه‌جویی، قناعت و پرهیز از اسراف و تبذیر و مصرف‌زدگی؛

ق) تقویت حس مسئولیت و اهتمام به امور مسلمین و پایبندی به نظم و انضباط؛ (ماده دوم قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۶۶/۱۱/۲۵)

با عنایت به اصول قانون اساسی درک خواهیم کرد که این مقاصد نشأت گرفته از اصل دوم قانون اساسی و بند اول اصل سوم این قانون است، که در راستای افزایش تعالیم دینی و ارتقاء فضایل اخلاقی بر طبق اعتقاد و پرهیزکاری و مقابله با تمامی جلوه‌های غیراخلاقی و فسق و فجور قدم برداشته است. با وجود اینکه هیچ‌یک از این مقاصد شامل برقراری موقعیت برابر و عمومی جهت آموزش و پرورش نیست و از طرفی در بند دوم و سوم اصل سوم قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته و در اصل سوم به شکل ویژه‌ای دولت موظف به برقراری موقعیت و وضعیت آموزش و پرورش رایگان شده است.

در آموزش و پرورش رایگان نقطه نظرهای به‌خصوصی در نظر گرفته شده است:

۱- موضوع تعلیم نباید با نداشتن توان مالی و اقتصادی مردم مسئله ایجاد نکند تا عموم مردم به شکلی برابر قدرت ادامه تحصیل را داشته باشند؛

۲- به وسیله تأسیس مدرسه‌های خصوصی و استخدام معلم‌های مجرب در آنها تنها استعداد قشر ثروتمند تربیت نشود و برای این طبقه از جامعه امتیازاتی جهت اکتساب مقاطع عالی دانش و ورود به آموزش عالی مهیا نشود تا سبب فاصله طبقاتی و برتری این قشر و در مقابل، کوچک شمردن طبقات میانه و مستضعف جامعه شود (۲۶).

وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه‌ی ملت تا پایان دوره متوسط فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

۵-۹. اهداف آموزش و پرورش

طبق قانون مقاصد و وظایف وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۶۶/۱۱/۲۵ عبارتند از:

الف) تقویت و تحکیم مبانی اعتقادی و معنوی دانش‌آموزان از طریق تبیین و تعیین اصول و معارف دین مبین اسلام و مذهب حقه جعفری اثنی عشری براساس عقل، قرآن و سنت معصومین؛ (ماده یک اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش ۱۳۶۶/۱۱/۲۵)

ب) رشد فضائل اخلاقی و تزکیه دانش‌آموزان برپایه تعالیم عالیه اسلام؛

پ) تبیین ارزش‌های اسلامی و پرورش دانش‌آموزان براساس آنها؛

ت) تقویت و تحکیم روحیه اتکال به خدا و اعتکاد به نفس؛

ث) ایجاد روحیه تبعد دینی و التزام عملی به احکام اسلامی؛

ج) ارتقاء بینش سیاسی براساس اصل ولایت فقیه در زمینه‌های مختلف جهت مشارکت آگاهانه در سرنوشت سیاسی کشور؛

چ) ایجاد زمینه‌های لازم برای حفظ و تداوم استقلال فرهنگی، اقتصادی و سیاسی از طریق آشنا ساختن دانش‌آموزان به علوم و فنون و صنایع و حرف مورد نیاز جامعه براساس اولویت‌های موجود در کشور؛

ح) شناخت و شکوفا کردن و پرورش استعدادهاى دانش‌آموزان و تقویت روح بررسی و تتبع و تحقیق و ابتکار و خلاقیت در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و علوم بررسی با تأکید بر نفی روحیه مدرک‌گرایی؛

د) رشد دادن و تقویت روحیه عدالت‌پذیری و عدالت‌گستری و ظلم‌ستیزی و مبارزه با تبعیضات ناروا و حمایت از مظلومین و مستضعفین؛

ر) تقویت روحیه دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه‌ای همگانی و متقابل؛

۵-۱۰. آموزش و پرورش همگانی

برابری و مساوات در شرایط آموزش زمانی میسر است که کلیه آحاد جامعه، چه بسا فقرا که با عدم شرایط و برتری اجتماعی بدون در نظر گرفتن جنس، قشر و تبار از موقعیت و شرایط برابر در جهت رسیدن به جایگاه‌های اجتماعی- اقتصادی بهره‌مند شوند. این امر در گرو زدودن اصطحکاک‌ها و حائل‌هایی مانند خرافه‌پرستی، بی‌خردی و دیگر مخاطرات ترساننده‌ای است که موجب عدم ارتقاء و موقعیت شخصی در مسیر زندگی می‌شود. گروهی بر این منظراند که موقعیت‌های زندگی برای برخی ناعادلانه تقسیم شده است. بنابراین جامعه برای برقراری مساوات و عدالت در شرایط و استفاده از وسایل آموزش می‌بایست ثروت و موقعیت‌های شغلی را بین مردم برحسب عدالت توزیع کند. این راهکارها و ایده‌ها نظارت مالیات بر درآمد و تعادل بین دارا و ندار تا ترمیم کلیه زیرساخت‌های مالی و اقتصادی جامعه را شامل می‌شود (۲۷).

امیل دورکیم معتقد بود که در هر جامعه به تعداد جایگاه‌های اجتماعی گونه‌های آموزش و پرورش وجود دارد. در رم باستان آموزه‌های عموم مردم با آموزش و پرورش طبقه متحول و اشرافزاده اختلاق فاحش داشت. در هندوستان حداقل تا همین سال‌های معاصر آموزش برهن‌ها با آموزش سودراها اختلاف فاحش داشت. در انگلستان، در قرون وسطی هم آموزش و پرورش شوالیه یا جنگجویان همراه وی با آموزش و پرورش جامعه عوام یا کشاورزان فاصله زیادی داشت. هیچ فردی بین تفاوت آموزش و پرورش یا همان تعلیم و تربیت، بین طبقات مرفه و فقیر تردید ندارد. اما آیا نظر دورکیم در مورد جامعه‌ای که در آن برای هر کودک شرایط و وسایل لازم مهیا است تا بر طبق سن، توانایی و پتانسیل ذهنی یا استعداد خویش حصول علم کند، باز هم مصداق دارد. حقیقت آن است که برابری شرایط آموزش را تنها با قوانین تعلیم نمی‌توان آماده ساخت (۲۸).

در هر جامعه جایگاه اجتماعی هر کودک معین است. هر کودک در خانواده‌ای مشخص، محیط تعیین شده با جنسیت مذکر یا مؤنث ولادت می‌یابد و در قیاس با خواهران و برادران دارای شرایط مشخصی است. کودک امکان دارد اولین یا

آخرین و یا بچه وسط باشد. اما با این حال جایگاه کودک در خانواده احتمال دارد پایدار نباشد. فرزندان بزرگتر به علت ازدواج از خانواده جدا می‌شوند. نوزادان جدیدی در خانواده متولد می‌شوند. همین‌طور کودک امکان دارد در خانواده‌ای کارگر یا قشر متوسطی متولد شود و استطاعت مالی خانواده و شرایط اجتماعی او به گونه‌ای دیگر باشد. مضاف بر آن ممکن محیط زندگی خانواده، یک محیط شهری یا روستایی باشد (۲۹).

اشخاصی که شرایط اجتماعی برتری دارند حیات آنها بهتر تأمین می‌شود و به طور طبیعی زنده خواهد ماند و از لحاظ مواظبت و مراقبت از نوزاد و هم‌چنین بهره‌مند شدن از اقدامات و خدمات پزشکی در شرایط نسبتاً ایده‌آلی هستند. هر یک از این فاکتورهای خانوادگی، اقتصادی و مالی، طبقه‌ای و منطقه‌ای ممکن است فاکتورهای عدم تساوی موقعیت و شانس برای موفقیت تحصیلی باشند. بنابراین شرایط آموزش و پرورش را نمی‌توان به یکباره در شش سالگی با شروع آموزش‌های اجباری، به اجرا درآورد. در دوره نوزادی کودک شاید از جهت جسمی و ذهنی چنان صدمه دیده باشد که مدرسه با امکانات اندک خود قادر به رفع آنها نباشد. اگر آسیب‌های اساسی در کلیه شرایط زندگی کودک رخ دهد، اینکه بهداشت عمومی وی مناسب نباشد و ظاهر فیزیکی و جسم او به عللی ناهنجار و نامتناسب باشد، ممکن است در موفقیت تحصیلی گرفتار تنزل و افول گردد (۳۰).

در رابطه با شرایط تساوی برای استفاده از آموزش صرفاً موانع و قید و بندهای قانونی حضور پررنگی دارد بر ضد اشخاص یا قشرهای ناحقی قائل شود به صورتی که این اقشار چون دیگران شرایط بهره‌مندی از وسایل و امتیازات آموزشی را نداشته باشند. هنگامی که به مسئله تساوی از نگاه استفاده و بهره‌مندی توجه می‌شود ارکان موضوعات چیزی بالاتر از شانس است. بنابراین مفهوم این مبحث درخور عنایت است که عملاً اشخاص یا اقشار تا چه حد از آموزش برخوردار شده و قادرند به چه درجه‌ای از آموزش و کسب دانش برسند. بدون تردید فقدان نابرابری و ایجاد موقعیتی یکسان برای برخوردار شدن از سرویس‌های آموزشی، یکی از فاکتورهای مؤثر و مفید

تحصیلات دانشگاهی شدید می‌باشد. به نظر می‌رسد توسعه آموزش عالی در ایران نه تنها برقراری عدالت و برابری در آموزش را ممکن نکرده بلکه موجبات تشدید نابرابری و بی‌عدالتی را نیز فراهم کرده است (۳۱).

براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود. (اصل نوزدهم قانون اساسی) و همین‌طور: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برخوردارند. (اصل بیستم قانون اساسی)

این اصول گسترده، کلیه قید و بندها و موانع و تنگناهای نابخردانه را از جلوی راه مردم در جهت بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌ها برطرف نموده و مسیر را بر هر نوع بهانه و تبعیض مسدود کرده است. بنابراین هیچ‌گونه چهارچوب محدود قانونی برای آموزش و پرورش از لحاظ سن، جنس و اخلاق و مذهب و یا عقیده دینی وجود ندارد.

نکته‌ای که از دیرباز ذهن بعضی از متولیان امور را جلب کرده مسئله تحصیل فرزندان فرق ضاله بوده است. در صورتی که در قانون اساسی برای دانش‌آموزان اعم از هر دین و مرام استثنایی دیده نمی‌شود. بنابراین هیچکس را نمی‌شود از اشتغال به تحصیل منع نمود. این صحیح است که فرق ضاله با مسلمین دشمنی فکری دارند اما عملکرد و برخورد مناسب با آنها باعث به وجود آمدن محبت می‌شود. از سوی دیگر اگر محیط آموزشی از نظر مرام و اخلاق و دانش سالم باشد حکومت اسلامی می‌تواند همه فرزندان و از جمله فرزندان این فرق را به سوی اسلام جذب نماید و از شیوه فرهنگی موضع‌گیری‌ها و آراء مخالف اسلام تضعیف کرده و ازدیاد پیروان اسلام را ترویج دهد (۲).

تأکید اسناد و محتوای حقوق بر آزادی آموزش و پرورش به سبب بعضی محدودیت‌های کشورهای اروپایی و به ویژه کشور فرانسه بوده است. در اوایل کلیسا عقیده داشت که آموزش در مدارس می‌بایست چهارچوب مذهبی و دینی خویش را رعایت کند. در صورتی که دولت‌ها معتقد بودند که بین آموزش‌های

است، البته در هر حال فاکتورهای دیگری هم در این روند تأثیرگذار هستند. مضاف بر این در عصر کنونی نابرابری‌های سابق برطرف شده و چیزی که اهمیت دارد قدرمطلق بهره‌مندی اشخاص و طبقات از آموزش است. بنابراین به جای تمرکز داشتن بر مبحث شانس بهتر است بهره‌گیری یا استفاده درست آموزش مورد بحث و بررسی قرار گیرد (۳۱).

با اینکه در ایران تحقیقات ویژه و ممتازی در جهت بررسی اثرگذاری سیاست‌ها و مخارج آموزشی دولت بر تساوی و کارآمدی صورت نگرفته است، لیکن با ارزیابی چگونگی برخورداری آموزشی بین سطوح زمانی متفاوت می‌شود تا حدی تأثیر سیاست‌های دولت را متصور شد.

توزیع نرخ باسوادی برحسب استان‌های کشور در سال‌های ۱۳۱۳-۱۳۴۳ بیانگر آن است که:

۱- توزیع نرخ باسوادی بین استان‌های متفاوت برابر نبوده است؛

۲- تبعیض و عدم مساوات در دهه مورد نظر نزول قابل توجهی داشته و در آخر تبعیض نرخ باسوادی زنان به گونه‌ای بالاتر از تبعیض توزیع نرخ باسوادی مردان می‌باشد.

با این حال ایران هم‌چون دیگر کشورها مضاف بر داشتن تبعیض آموزشی میان مناطق گوناگون در طی زمان، عدم مساوات دستخوش دگرگونی و کمتر شده است. از علت‌های مهم نزول تبعیض گسترش آموزش در جهت عمومی شدن آن می‌باشد. نرخ باسوادی به طور کلی یک معیار عمومی است و نمی‌شود نتیجه شفاف‌تری از توزیع آموزش در مقاطع متفاوت آموزشی را مهیا کند. همراه آن جا دارد معیارهایی مانند توزیع تحصیل‌کرده‌های مقاطع متوسطه و عالی هم داده شود. در همین رابطه باید دقت داشت که اساساً سهم‌دارندگان تحصیلات عالی در میان شاغلین نسبت به سهم افراد باسواد نباید به صورت مستقیم و بلاواسطه در نظر گرفته شود. زیرا اساساً طبقه شاغلین جزء طبقه افراد باسواد محسوب می‌شوند و در عمل افراد بی‌سواد به صورت استثنایی و بسیار محدود در طبقه شاغلین قرار می‌گیرند. در نتیجه به نظر می‌رسد نابرابری در بحث آموزش در سطوح پایین آن یعنی مرز بی‌سوادی و باسوادی، کمتر و در سطوح بالا به طور خاص

تأسیس یا برقراری نظام یا آموزشگاه‌های جداگانه برای محصلین پسر و دختر مشروط به اینکه هر دو جنس امکانات برابر جهت دست یافتن به تعلیم را داشته باشند و هر دو دسته از معلمین شایسته و یکسان با امکانات یکسان بهره بگیرند و توانایی استفاده از راهکارهای برابر را داشته باشند. تأسیس یا نگهداری آموزشگاه‌های غیردولتی هدفش ناکام نمودن قشر بخصوصی از آموزش و پرورش نباشد (۳۳).

۵-۱۱. تأسیس مدارس غیرانتفاعی با توجه به تعارض با

قانون اساسی و اصل برابری و عدالت در دولت رفاه

پس از پیروزی انقلاب مطابق مصوبه شورای انقلاب در سال ۱۳۵۸ تمامی مدارس ملی به شکل دولتی اداره شدند. درباره آموزش توقع مردم این بود که دولت آموزش را در تمام مقاطع رایگان کند. طبق اصل سی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت مکلف شد که امکانات آموزش و پرورش رایگان را برای تمام ملت تا انتهای مقطع متوسطه مهیا سازد و ابزار تحصیلات دانشگاهی را تا مرز بی‌نیازی کشور به صورت رایگان بست دهد. لیکن پس از چند سال در مورد بیان این اصل بین متولیان و عاملین مسئول در وزارت آموزش و پرورش دوگانگی ایجاد شد. گروهی خیلی محکم و استوار حامی آموزش و پرورش رایگان تا پایان تحصیلات عالی بودند و دسته‌ای دیگر بر این عقیده بودند که: ۱- دولت قادر نیست هزینه تعلیم در مدرسه و مؤسسات آموزش عالی (دانشگاه) را برای همگان مهیا سازد. ۲- تحصیل اجباری برای کلیه کودکان در مدارس دولتی بی‌عدالتی است (۳۴).

در حقیقت این گروه بیشتر حامی استمرار کار و گسترش مدارس مذهبی - خصوصی مانند مدارس علوی و رفاه پیش از انقلاب بودند. استنباط مختلف این دو دسته از اصل سی قانون اساسی و نظریه‌های متفاوت در بین متولیان آموزش و پرورش، وزیر آموزش و پرورش را بر آن داشت تا در آذر ماه سال ۱۳۶۲ از شورای نگهبان درخواست کند توضیح خود را از اصل سی قانون اساسی بیان دارد.

در قسمتی از پاسخ‌گویی شورای نگهبان در مرداد ۱۳۶۲، تأکید شده که «آموزش رایگان در حد امکان کلاً یا بعضاً باید

مذهبی و آموزش‌های رسمی و قراردادی دانش‌آموزان انفکاک ایجاد شود. به همین علت مقوله‌ای با نام مدارس آزاد با سابقه مذهبی شکل گرفت و تأسیس این مدارس هم نوعی مبارزه و ضدیت با سیاست‌های غیرمذهبی دولت‌ها به شمار می‌آمد (۳۲).

اعلامیه جهانی حقوق بشر به آموزش و پرورش رایگان و عمومی التفات ویژه‌ای کرده است. بند یک ماده بیست و شش اعلامیه بیان می‌دارد: «هرکس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. آموزش و پرورش لااقل تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید رایگان باشد. آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش حرفه‌ای باید عمومیت پیدا کند و در آموزشی عالی نیز باید با شرایط تساوی کامل به روی همه باز باشد تا همه بنا به استعداد خود بتوانند از آن بهره‌مند گردند».

بند سوم همین ماده بیان می‌دارد: «پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش فرزندان خود نسبت به دیگران اولویت دارند».

طبق ماده یک مقاله‌نامه تبعیض در مسئله آموزش تبعیض شامل هرگونه وجه تمایز خاص محرومیت تحدید یا توجیهی است که بر مبنای نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقیده سیاسی یا هرگونه عقیده دیگر ملیت یا وضع اجتماعی، شرایط اقتصادی و یا تولد باشد و موضوع یا نتیجه آن از میان بردن تساوی رفتار نسبت به افراد در برخورداری از تعلیمات و انواع مختلف آن و نیز دسترسی به تعلیمات و حدود و کیفیت آن و به ویژه موارد مذکور در زیر باشد:

الف) محروم کردن یک شخص یا یک گروه از دسترسی به انواع و یا درجات مختلف تعلیمات؛

ب) محدود کردن آموزش و پرورش یک شخص یا یک گروه به حد پایین‌تری؛

ج) قرار دادن شخص یا گروه در وضعی که مغایر با شئون انسانی باشد؛

به هر حال مقاله‌نامه موارد ذیل را اگر قابل پذیرش برای دولت باشد تبعیض تلقی نمی‌کند:

پرورش با آنکه قوانین آن تعدد ندارد، ولی در این سالها مشاهده می‌کنیم که خیلی صریح از اجرایی شدن آن هر روز فاصله بیشتر می‌گیریم.

اکنون دیگر دولت به وضوح اعلام می‌کند که توانایی مهیا کردن بودجه لازم در حیطه تأمین مخارج تحصیل کلیه دانش‌آموزان را ندارد. انواع مدارس دولتی که هر یک به نحوی اجازه گرفتن پول از والدین را دارند، توسعه مدارس خصوصی، عدم شاخص مصوب و تعیین شده در مدارس که نبود آن باعث شده اخذ شهریه حتی در مدارس عادی دولتی یک امر رایج شود. بی‌قانون بودن چگونگی اخذ شهریه در مدارس خصوصی که همه ساله بر تعدادشان افزوده می‌شود و اصولاً دولت برای ارتقاء آنها برنامه‌ریزی نموده است، دیگر نقطه ابهامی ندارد که این اصل از جانب مسئولین به فراموشی سپرده شده است. اصلی که همواره قانون‌گذار و دولت می‌بایست وظیفه خود را با آن معین کند، زیرا سرپرستان خانوار با اینکه مخارج تحصیل فرزندان خود را می‌پردازند، لیکن به علت وجود این قانون و آگاه بودن کلیه مردم از آن در پس این مخارج اقلأً برای تعداد بسیاری از والدین یک ناخوشنودی در خفا ایجاد می‌کند که باعث می‌شود هر دفعه مخارجی را که برای آموزش و تحصیل فرزندان می‌پردازند مفهوم اصل سی‌ام قانون اساسی بار دیگر در ذهنشان تداعی شود (۳۸).

بعضی متخصصین اعتقاد دارند ضرورت عدالت به واسطه بودن مدارس خصوصی است. زیرا والدین راضی هستند برای اولادشان مخارجی بیش از توانایی دولت جهت دستیابی به خدمات و امکاناتی با کیفیت احسن متحمل شوند. تعدادی دیگر اعتقاد دارند که فاصله طبقاتی از همین جایگاه شروع می‌شود و لااقل در زمان تحصیل نبایست اختلافی در نحوه آموزش و نوع امکانات و خدمات بین هیچ‌یک از فرزندان کشور وجود داشته باشد. این همان راهی است که اکنون خیلی از کشورهای دنیا طی می‌کنند. با عنایت به اهداف آموزش و پرورش رایگان ایجاد مدارس غیرانتفاعی در کشور از آن جهت که از محل اخذ شهریه دانش‌آموزان اداره می‌شود اساساً مورد توجه قرار نمی‌گیرد. آموزش و پرورش اغلب مخارج قابل توجهی را به همراه دارد. سهم بسیاری از بودجه کل کشور را

فراهم شود... و مستفاد از اصل سی‌ام قانون اساسی، دولتی بودن آموزش و ممنوعیت تأسیس مدارس و دانشگاه‌های ملی به موجب قوانین عادی نیست» (۳۵).

شورای نگهبان بار دیگر در سال ۱۳۶۵ در پاسخ به استفساریه سید محمدرضا هاشمی گلپایگانی، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی در نوشته‌ای به امضا و تأیید آیت‌الله صافی با تأکید بیشتری نوشت: «از اصل سی‌ام قانون اساسی دولتی بودن آموزش و پرورش و ممنوعیت تأسیس مدارس و دانشگاه‌های ملی مستفاد نمی‌شود» (۳۶).

با این توضیح مقدمات قانونی تأسیس مدارس خصوصی آماده شد و در انتها قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی در سال ۱۳۶۷ در مجلس به تصویب رسید. هدف از غیرانتفاعی بودن که در قانون ذکر شده آن بود که درآمد کسب شده تنها صرف مخارج جاری و گسترش آینده مدارس شود. این قید به این علت اضافه شد که مسئولین و متولیان انقلابی وقت معتقد بودند که افسار و کنترل آموزش و فرهنگ و اقتصاد نمی‌بایست به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی واگذار کرد. پس از کارکرد اولین مدارس خصوصی که با عنوان‌های متفاوتی آغاز به کار نمودند فرآیند دریافت وجه به طبع مدارس دولتی هم خوشایند شد و به همین منوال مدارس دولتی هم از حالت رایگان درآمد و هزینه‌هایی در زمینه‌های مختلف و بعضی اوقات با نام کمک به مدرسه برای خود مشخص نمودند. مدارس متفاوت خصوصی وظایفشان از همان اول مشخص بود. اما مسئله تکراری اخذ وجه از جانب مدارس دولتی در سال‌های معاصر که باعث دل‌مشغولی و اضطراب خانواده‌های دانش‌آموزانی با زندگی و درآمد معمولی و بعضاً کم شده بود. با عنایت به شرایط مالی بسیاری از خانواده‌ها این امر برای آنها هرچند در حد کم و اندک صغیر بوده و هست. متولیان و مدیران هم بارها از عدم دریافت وجه مطالبی بیان کرده‌اند لیکن این دمل چرکین هر سال چندبار می‌ترکد و مسئله روز مدارس و خانوارها می‌شود (۳۷).

از نظر قانون‌گذاری، ایران کشوری پیشرو در عرصه گسترش برابری و عدالت تعلیم شمرده می‌شود. لیکن در حیطه اجرای قانون از جانب سیاست‌مداران به خصوص در عرصه آموزش و

دولتی وارد کند و خروجی آموزشی و تمایل به خدمات و سرویس‌دهی ضروری را در این‌گونه مدارس کاهش دهد. بی‌تردید این روال با اصل برابری در بهره‌مندی از حقوق برای کلیه آحاد مردم و عدالت اجتماعی هماهنگی ندارد (۲).

۶. نتیجه‌گیری

در جمهوری اسلامی ایران مدارس با عنوان‌های متفاوتی تأسیس شده‌اند، از مدارس دولتی و خصوصی گرفته تا نمونه دولتی و تیزهوشان. مدارس خصوصی و نمونه دولتی شرایط ویژه خود را در زمان ثبت‌نام دارا هستند. نام‌نویسی در مدارس دولتی برای مردم مبدل به یک نوع دلهره و آزدگی خاطر شده و هر سال در وقت ثبت‌نام در این مدارس مدیران مسئول در چهارچوب کمک‌های مردمی و جوهری را از خانواده‌ها اخذ می‌کنند.

در صورتی که در سال‌های اخیر کمک‌های مردمی برای نگه‌داری و سازماندهی این مدارس طبق نظر متولیان آموزش و پرورش به صورت اختیار و داوطلبانه بود لیکن در حال حاضر همین همکاری‌ها و کمک‌های داوطلبانه چند سالی است که به مشکل عدیده‌ای برای خانواده دانش‌آموز مبدل گشته است. مسئولان مدارس در زمان ثبت‌نام از موارد مالی و هزینه‌های گوناگون صحبت می‌کنند ایشان هر سال قصد دارند وسایل آموزشی و رفاهی مانند میز و نیمکت‌ها را عوض و یا نوسازی مدارس و یا تهیه وسایل گرمایشی و سرمایشی و مسائل و مشکلاتی که همواره ورد زبان مدیران مدارس است اما در نهایت پایان سال از هیچ یک از موارد گفته شده اثری نیست.

این عمل نه فقط در زمان نام‌نویسی بلکه طی دفعات مکرر در ادامه‌ی سال تحصیلی برای خانواده‌ها پیش می‌آید به صورتی که امروز اگر به ادارات آموزش و پرورش مراجعه کنیم می‌بینیم که به این روش و نحوه اداره مدارس خانواده‌ها معترض‌اند. البته آموزش و پرورش بر این امر اصرار دارد که اخذ هزینه به طور اجباری خلاف و ممنوع است.

با نظر به اینکه در قانون اساسی بر رایگان بودن و آسانی در آموزش محصلین در مدارس تأکید شده لیکن با وجود قوانین پر از قید و بند، عدم بررسی‌های لازم، دوگانگی در گفتار و

شامل می‌شود. افزونی مخارج آموزش و پرورش تا اندازه‌ای است که مهیا ساختن کلیه امکانات و خدمات آموزشی با در نظر گرفتن امکانات اندک دولت بسی دشوار و شاید ناممکن باشد (۳۹).

این نقص و ایراد با وظیفه قانونی دولت در برآوردن کلیه انتظارات آموزش مردم توفیر دارد تا حدی که در سال‌های اخیر تکیه و توسل به مشارکت عمومی مردم و همکاری‌های مردمی را عاملی برای رفع این نقیصه و ایراد طرح و مؤکد شده است.

نتیجه این فرآیند فکری، قانون تأسیس مدارس خصوصی (غیرانتفاعی) مصوب ۱۳۶۷/۳/۵ می‌باشد. طبق ماده یک این قانون «مدارس غیرانتفاعی مدارس هستند که از طریق مشارکت مردم مطابق اهداف، ضوابط، برنامه‌ها و دستورالعمل‌های عمومی وزارت آموزش و پرورش تحت نظارت آن وزارت‌خانه تأسیس و اداره می‌گردد».

بودن این نوع مدارس به طور طبیعی ضدیتی یا قانون اساسی ندارد، (هرچند که تأسیس آنها توسط اشخاص بدون انگیزه مادی امری نادر به نظر می‌رسد) لیکن درآمد آنها در وهله نخست از جانب «شهریه دریافتی اولیا دانش‌آموزان» حاصل می‌شود.

با این حال اصل اساسی رایگان بودن آموزش و پرورش نادیده گرفته شده است. از طرفی اسناد نشان می‌دهد مدارس خصوصی حاضر که غریب به اتفاق با اخذ شهریه‌های سنگین و برقراری محیط آموزشی زیبا فرزندان اشخاص ثروتمند را به سوی خود جذب می‌کند و سرویس‌های آموزشی بهتری را به نسبت مدارس دولتی تحویل می‌دهد و با این عمل آنها را با شرایط علمی بالاتری به شکلی تجهیز و با توانایی بیشتری به سوی دانشگاه‌ها هدایت می‌کند.

راندمان این کار به دست آوردن شرایط فوری و احسن اجتماعی برای این قشر خواهد بود در عصر کنونی مسابقه خانواده‌های ثروتمند برای وارد شدن به این نوع مدارس قابل ملاحظه است. مضاف بر این ظاهر زیبا و جذاب محیط آموزشی مدارس خصوصی (در تأمین کادر آموزشی مجرب و توانا) بهتر می‌تواند اثر منفی به شکل غیرمستقیم بر مدارس

کردار مقامات مسئول مخارج تحصیل را به عهده قشرهای متوسط و مستضعف می‌گذارد، به طوری که در سال‌های اخیر برخی مدارس دولتی عنوانی به نام مدارس هیئت امنایی کسب کرده‌اند که از کاروان اخذ شهریه جا نمانند و این عمل را فاکتوری در رابطه با بالابردن کیفیت و بهبود یافتن سطح آموزش می‌دانند.

با عنایت به موقعیت حاکم بر مدارس و عدم بازرسی مکفی در رابطه با گرفتن پول به بهانه‌های متفاوت از اولیا دانش‌آموزان در مدارس دولتی همواره از اجرای اصل سی‌ام قانون اساسی دور و دورتر می‌شویم و تساوی و برابر آموزشی که از اصول قانون اساسی و دولت رفاه می‌باشد دچار خواب عمیق و فراموشی می‌شود.

۷. تقدیر و تشکر

از تمام عزیزانی که در تهیه و تدوین این مقاله مساعدت و همکاری نمودند تقدیر و تشکر می‌کنم.

۸. سهم نویسندگان

نویسندگان به صورت برابر در تدوین مقاله مشارکت داشته‌اند.

۹. تضاد منافع

در این مقاله هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

References:

1. Verheyde M. *The Right to Education*. Hague: Martinus Nijhoff Publishers; 2006.
2. Hashemi M. *Constitutional law of Islamic Republic of Iran*. Tehran: Mizan; 2017. (Persian).
3. Acosta L. *Constitutional Right to an Education in Selected Countries*. Washington: The Law Library of Congress; 2016.
4. Nolan A. *The Right to a Standard of Living Adequate for the Childs Development*. In: Tobin J, editor. *The UN Convention on the Rights of the Child: A Commentary*. Oxford: Oxford University Press; 2019. p. 1021-55.
5. Akbari A, Gharari M, Meshkani A. *Review of education and higher education policies*. *Research of nations*. 2016;12(1):42-3. (Persian).
6. Mohammadi F. *A study of the performance of the Islamic Revolution in the field of formal and public education system*. *Studies of the Islamic Revolution*. 2017;55(1):207-32. (Persian).
7. Scharling C, Andenas M, Perelman J. *The fight against poverty and the right to development*. London: Springer; 2020. p. 469-92.
8. Edling N. *The Changing Meanings of the Welfare State: Histories of a Key Concept in the Nordic Countries*. London: Berghahn Books; 2021.
9. Molander A. *Discretion in the welfare state: Social rights and professional judgment*. London: Taylor & Francis; 2016.
10. Anttonen A, Häikiö L, Stefánsson K. *The future of the welfare state: rethinking universalism*. In: Anttonen A, Stefánsson K, Häikiö L, editors. *Welfare State, Universalism and Diversity* Edward, Elgar, Cheltenham. London: Edward Elgar Publishing; 2012. p. 187-96.
11. Kremer M. *How welfare states care: Culture, gender and parenting in Europe*. Amsterdam: Amsterdam University Press; 2007.
12. Greve B. *Welfare and the welfare state: Present and future*. London: Taylor & Francis; 2014.
13. Stefánsson K. *What is in a word? Universalism, ideology and practice*. In: Anttonen A, Stefánsson K, L H, editors. *Welfare State, Universalism and Diversity*. London: Edward Elgar Publishing; 2019. p. 42-68.
14. Titmuss R. *Essays on the Welfare State (reissue)*. London: Policy Press; 2019.
15. Piven FF, Cloward R. *Regulating the poor: The functions of public welfare*. London: Knopf Doubleday Publishing Group; 2012.
16. Bertram G. *Assessing the structure of small welfare states*. London: Commonwealth Secretariat; 2011.
17. Schiller C. *The Politics of Welfare State Transformation in Germany: Still a Semi-Sovereign State?* London: Taylor & Francis; 2016.
18. Kamali M, Jönsson JH. *Neoliberalism, Nordic welfare states and social work: Current and future challenges*. London: Taylor & Francis; 2018.
19. Hwang G-J. *New global challenges and welfare state restructuring in East Asia: continuity and change*. In: Hwang G, editor. *New welfare states in East Asia: Global challenges and restructuring*. London: Edward Elgar Publishing Limited; 2011. p. 1-14.
20. Tohidi A. *A reflection on the general principles of the system, rights and freedoms of the people in the Constitution of the Islamic Republic of Iran*. Qom: Representation of the Supreme Leader in the University; 2007. (Persian).
21. Mehrpoor H. *Brief Constitutional Law of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Dadgostar; 2012. (Persian).
22. Vejdani F. *Making history in Iran: Education, nationalism, and print culture*. California: Stanford University Press; 2015.
23. ReyShahri M. *Imam Ali Policy Letter*. Qom: Dar al-Hadith; 2000. (Persian).
24. Jafari M. *Translation and explanation of Nahj al-Balaghah*. Tehran: Office of Islamic Publishing and Culture; 1997. (Persian).
25. Tehrani M. *Government and Wisdom (Government in Nahj al-Balaghah)*. Tehran: Khaneye Andisheye Javan; 1998. (Persian).
26. Daun H, Arjmand R. *Handbook of Islamic Education*. London: Springer International Publishing; 2018.
27. Grant MC. *Equity, equality, and reform in contemporary public education: Equity, equality, and reform*. In: Grant M, editor. *Equity, Equality, and Reform in Contemporary Public Education*. London: IGI Global; 2018. p. 1-30.
28. Durkheim E. *Professional ethics and civic morals*. London: Taylor & Francis; 2013.
29. Longford M, Khaliq U. *The right to Social Security*. In: Tobin J, editor. *The UN Convention on*

the Rights of the Child: A Commentary. Oxford: Oxford University Press; 2019. p. 986-1020.

30. Larson J. Radical equality in education: Starting over in US schooling. London: Taylor & Francis; 2014.

31. Naderi A. Economics of education. Tehran: Yastroon; 2017. (Persian).

32. Ghazi A. Requirements of Constitutional Law. Tehran: Mizan; 2011. (Persian).

33. Varghese N. Financing Higher Education in Asia-Pacific Region. In: Watanabe R, editor. The International Handbook of Educational Research in the Asia-Pacific Region. London: Springer Netherlands; 2013. p. 827-39.

34. Hossaini H. The right to free and public education for citizens with a view to the constitution of Iran and some countries. Success Journal. 2020;11(2):11-5. (Persian).

35. Guardian Council. The first interpretation of the thirtieth principle of the Constitution by the Guardian Council. No. 1543. 1984\8\8.

36. Guardian Council. The second interpretation of the thirtieth principle of the Constitution by the Guardian Council. No. 5578. 1984\5\6.

37. Aziz H. Imam Khomeini's Views on Academic Institutions and Academicians. Delhi: Jerrmein Abu Shahba; 2021.

38. Mahmoudi A, Eftekrai S, editors. International Conference on Humanities, Historical and Social Sciences IPEDR. International Conference on Humanities, Historical and Social Sciences IPEDR; 2011. (Persian).

39. Yousefi MR. Challenges of the educational system of Iran and solutions to address these challenges. Indian Journal of Fundamental and Applied Life Sciences4. 2014;4(1):228-36.



ORIGINAL ARTICLE

Welfare State and free education according to the principles of the Constitution of the Islamic Republic of Iran

Mehrdad Badihi¹, Gholamhossein Masoud^{2*}, Faramarz Atrian³

1. PhD Student in Public Law, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Received: 28 February 2021

Accepted: 11 June 2021

Published online: 5 August 2021

Keywords:

Right to Education
Constitution of the Islamic Republic of Iran
Fundamental Rights
Human Rights

* Corresponding Author:

Gholamhossein Masoud

Address: Department of Law,
Najafabad Branch, Islamic Azad
University, Najafabad, Iran.

Postal Code: 81756-54731

Telephone: 31-42292702

Email: dad2029@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: In the laws of most countries of the world, education is free and public and is considered a fundamental right of citizens. According to jurists, the right to free and compulsory education for children is a generally accepted principle.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Results: Despite the fact that the constitution emphasizes free and easy education of students in schools, but despite the restrictive laws, the lack of necessary investigations, the duplicity in the speech and actions of officials responsible for education costs to the middle and poor.

Ethical considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Conclusion: Given the current situation in schools and the lack of adequate inspections in connection with taking money under various pretexts from parents of students in public schools, we are always moving away from the implementation of the thirtieth principle of the Constitution and the equality of education, which is one of the principles of the constitution and the welfare state, falls into a deep sleep and is forgotten.

© Copyright (2018) Iranian Association of Medical law, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Badihi M, Masoud GH, Atrian F. Welfare State and free education according to the principles of the Constitution of the Islamic Republic of Iran. *Medical Law Journal* 2021; Legal Innovation.